

باسمه تعالی

- مقام اول: کاشفیت دلیل عقلی..... ۱
- استدلال بر عدم تحقق قطع از دلیل عقلی..... ۱
- جواب از استدلال اخباریون..... ۲
- جواب‌ها به اشکال بر عقل نظری..... ۲
- جواب اول: اثبات وجود خداوند با ادله عقلیه..... ۲
- مناقشه در جواب: اصول اعتقادات از امور حسّی است..... ۳
- جواب دوم: اختلاف فقهاء در استدلال به آیات و روایات..... ۳
- مناقشه در جواب: ظهور از امور قریب به حسّ است..... ۴

موضوع: حجج و امارات / قطع / حجیت دلیل عقلی**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل بحث از جهت ششم قطع یعنی حجیت دلیل قطعی شروع شد. اخباریون قطع حاصل از مقدمات عقلیه را حجّت نمی‌دانند به دلیل اختلاف زیاد در ادله عقلیه. در این جلسه اشکالات این استدلال بررسی می‌شود.

مقام اول: کاشفیت دلیل عقلی

در مورد دلیل قطعی یک بحث معرفتی وجود دارد که آیا قطع مفید علم است یا قاصر از آن است؟ اخباریون مدعی شده‌اند قطع افاده علم ندارد؛

استدلال بر عدم تحقق قطع از دلیل عقلی

استدلال اخباریون بر اینکه دلیل عقلی افاده قطع ندارد، این است که اختلاف شدیدی در ادله عقلیه وجود دارد. توضیح اینکه در دو علم کلام و فلسفه از ادله عقلیه استفاده می‌شود. با نظر به این دو علم، حتی یک مسأله واحد هم پیدا نمی‌شود که تمام فیلسوفان (اعم از مسلمان و غیر مسلمان) در آن اتفاق نظر داشته باشند؛ و یا یک مسأله نیست که تمام متکلمین (اعم از مسلمان و غیر مسلمان) در آن اتفاق نظر داشته باشند؛ این در حالی است که همه فیلسوفان و متکلمان ادعا دارند بر اساس ادله عقلیه، مطالب خود را اثبات و مطالب دیگران را ابطال کرده‌اند (البته ممکن است برخی مسائل مانند استحاله اجتماع تقیضین، اتفاق نظر باشد؛ اما این مسأله نیز از مسائل کلامی و فلسفی نیست). با توجه به این اختلاف کثیر که حتی بعد از هزاران سال بحث و گفتگو یک میلیمتر هم جلو نرفته (یعنی در طول دو هزار سال در یک مسأله هم به توافق نرسیده‌اند، بلکه از هم دورتر

شده‌اند؛ به عنوان مثال در یک مسأله قبلاً فقط دو نظر وجود داشته، اما اکنون پنج نظر یا بیشتر پیدا شده است)، چگونه ممکن است بر دلیل عقلی اعتماد نمود؟ با توجه به این اختلاف کثیر در ادله عقلیه، برای انسان از آنها قطع حاصل نمی‌شود. بنابراین باید برای استنباط احکام شرع، به کتاب و سنت مراجعه نمود.

سپس اخباریون اشکالی بر این بیان گرفته و از آن پاسخ داده‌اند. اشکال اینکه علم ریاضی (یعنی حساب و هندسه) نیز از علوم عقلی است، اما در آن اختلاف چندانی نیست. به عنوان مثال در قضیه «زوایای مثلث ۱۸۰ درجه است» اختلافی وجود ندارد؛ و یا در قضیه «۲۰ تقسیم به ۵ برابر ۴ می‌شود» اختلافی نیست.

مرحوم امین استرآبادی پاسخ داده که ریاضی یک خصوصیت دارد که مقدمات آن حسّی یا قریب به حسّ است. به همین سبب مسائل علم ریاضی از واضحات بوده و اختلافی در آن نیست. به عنوان مثال برای اثبات قضیه «۲۰ تقسیم بر ۵ برابر ۴ می‌شود»، ممکن است ۲۰ تخم مرغ را پنج تا پنج تا کنار هم گذاشته تا معلوم شود چهار دسته خواهند شد. یعنی از راه حسّ صحت آن قضیه معلوم می‌شود. این خصوصیت در ادله عقلیه، در بحث فقه وجود ندارد همانطور که در کلام و فلسفه وجود ندارد. بنابراین از ادله عقلیه در فقه و یا کلام و فلسفه برای انسان قطعی حاصل نخواهد شد.

به هر حال خلاصه کلام اخباریون این است که به ادله عقلیه اعتباری نیست، و از آنها قطعی محقق نمی‌شود. یعنی این ادله عقلیه که در دنیا کارآمد نبوده و مفید قطع نیست چگونه ممکن است در کشف احکام الهیه (که امور غیبی هستند)، کارآمده شده و قطع از آنها حاصل شود؟

جواب از استدلال اخباریون

اصولیون از این استدلال اخباریون پاسخ‌هایی داده‌اند. ابتدا در مورد مدرکات عقل نظری، و سپس در مورد مدرکات عقل عملی بحث خواهد شد:

جواب‌ها به اشکال بر عقل نظری

اصولیون از این اشکال به مدرکات عقل نظری، سه جواب نقضی و یک جواب حلّی داده‌اند:

جواب اول: اثبات وجود خداوند با ادله عقلیه

جواب نقضی اول این است که برای اثبات باری تعالی نیز از ادله عقلیه استفاده می‌شود، و اگر ادله عقلیه مفید قطع نباشد در اثبات باری تعالی نیز نباید قطعی از آن حاصل شود. همینطور برای اثبات نبوت و امامت نیز از ادله عقلیه استفاده می‌شود.

اثبات اصول اعتقادات تنها از راه ادله عقلیه ممکن است، زیرا واضح است که با قول خود خداوند نمی‌توان اثبات باری تعالی نمود.

مناقشه در جواب: اصول اعتقادات از امور حسّی است

شهید صدر در این جواب نقضی مناقشه نموده و فرموده این نقض بر اخباریون نخواهد بود. ایشان فرموده اصول اعتقادات از واضحات است و از امور حسّی و «کالبدیهی» می‌باشد. بنابراین ادله عقلیه در این امور مفید یقین است مانند ریاضیات که قریب به حسّ بوده و ادله عقلیه در آن مفید قطع است. در مقابل، ادله و مسائل علمی مانند فلسفه قریب به حسّ نبوده و ادله عقلیه در آن مفید قطع نیست.

توضیح اینکه شهید صدر متوجه شده که ادله متکلمین در اعتقادات به لحاظ استدلالی و فنی مشکل دارد لذا به دنبال بیان دیگر بوده است. ایشان اصول اعتقادات را اثبات استقرائی نموده که مانند مسائل علم ریاضی مبتنی بر حساب احتمالات است. تمام مبادی و اصول اعتقادات از توحید تا معاد باید از طریق حساب احتمالات ثابت شود که از تجربیات است و مناقشه‌ای در آن نیست. ایشان با توجه به این مبنای خود، فرموده چنین نقضی بر اخباریون وارد نیست و هرچند ادله عقلیه در اصول اعتقادات مفید قطع است، اما در سائر مسائل مفید قطع نیست.

به نظر می‌رسد مناقشه ایشان وارد نیست؛ زیرا وجود احتمالات کلامی مختلف (حتی در توحید و نبوت) بین متکلمین نشان می‌دهد این مسائل مانند مسائل ریاضی نیست. به عنوان مثال در مسأله توحید، حتی قائلین به توحید نیز تفسیرهای مختلفی از آن ارائه می‌دهند؛ و در مسأله نبوت، هیچ نبوتی نیست مگر مخالفین آن اکثریت هستند. به عنوان مثال در مورد مسیحیت که گفته شده از نظر پیرو اکثر عدداً می‌باشند، منکرین نبوت حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام بیشتر از تعداد قائلین به نبوت ایشان است (گفته شده حدود دو میلیارد مسیحی در جهان وجود دارند که کمتر از یک سوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، یعنی بیش از دو سوم مردم جهان نیز منکر نبوت حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام به عنوان پیامبر این عصر هستند)؛ و در مسأله امامت حتی بین مسلمین یعنی شیعه و اهل سنت نیز اختلاف وجود دارد. یعنی اهل سنت که اکثریت عددی را تشکیل می‌دهند، مخالف این نحوه امامت هستند.

در نتیجه با این همه اختلاف در اصول اعتقادات از مسائل کلامی، چطور ممکن است گفته شود ادله عقلیه در این مسائل حسّی یا «کالبدیهی» هستند؟ بنابراین مناقشه شهید صدر وارد نبوده، و جواب نقضی به اخباریون صحیح است. یعنی اگر در ادله عقلیه اشکالی باشد و ادله عقلیه موجب قطع نشوند، این نقض به خود اخباریون وارد است که قطع به اصول اعتقادات نیز ممکن نیست.

جواب دوم: اختلاف فقهاء در استدلال به آیات و روایات

نقض دیگری که به این استدلال اخباریون شده، این است که اگر اختلاف در ادله عقلیه موجب عدم اعتماد به عقل باشد، همین اختلاف در استدلال فقهاء به اخبار و آیات نیز وجود دارد، پس باید این ادله نیز بی اعتبار باشند! توضیح اینکه اختلاف بین فقهاء کمتر از اختلاف بین فلاسفه و متکلمین نیست (هرچند در برخی کلیات اتفاق بین فقهاء وجود دارد مانند وجوب نماز صبح، اما در جزئیات اختلاف بسیاری وجود دارد). همین اختلاف موجب عدم اعتماد به اخبار و آیات است یعنی موجب می شود از استدلال به آیه و خبر هم قطعی محقق نشود.

مناقشه در جواب: ظهور از امور قریب به حس است

شهید صدر این نقض بر اخباریون را نیز قبول نکرده است. ایشان فرموده در استدلالات فقهی و استنباط احکام شرعی به اموری مانند ظهورات و حجیت سند و جمع بین ادله متعارض نیاز است. این امور نیز مانند حسیات بوده و اختلافی در آنها نیست. بنابراین تحقق قطع از این ادله ممکن است، اما ادله فلاسفه و متکلمین حسّی نبوده و نباید این دو را به هم قیاس کرد! به نظر می رسد این مناقشه ایشان نیز صحیح نیست؛ زیرا این مقایسه کاملاً ممکن است. توضیح اینکه اختلافات فقهی وجود داشته و رو به تکثیر است نه رو به تقلیل. به عنوان مثال با نظر به کتاب «العروة الوثقی» و تعلیقه های مختلف آن، معلوم می شود اختلافات بسیاری بین فقهاء در استظهارات وجود دارد. یعنی تقریباً تمام مسائل دارای یک یا چند تعلیقه هستند، و حتی گاهی در یک مسأله چند ده تعلیقه وجود دارد (کتاب عروه بدون تعلیقات حدود دو یا سه جلد است، اما در چاپ با تعلیقه این کتاب دارای ۱۵ جلد است. یعنی نزدیک ۱۲ جلد که چهار برابر متن کتاب است، تعلیقه است). این اختلاف شاهد می شود که استدلالات فقهی و استظهارات نیز از امور قریب به حس نیستند.

در نتیجه این نقض بر اخباریون وارد است و اگر در فلسفه و کلام، اختلافات شدید موجب بی اعتمادی به ادله شود؛ باید در فقه نیز این اخلافات شدید موجب بی اعتمادی به ادله شود.

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۱۲۶: «و کلا هذین التضمین الظاهر عدم ورودهما علی المحدثین، و ذلک لأنهم لیسوا بصدد إنکار کاشفیه الدلیل العقلی جملة و تفصیلا بل خصوص الأدلة العقلية ذات الطابع النظری التجردی المستعمل فی علمی الکلام و الفلسفة و الأصول أحياناً، أی ینکرون العقل النظری القبلی - قبل التجربة و الحس و یقطع النظر عنه - و مثل هذا العقل لا یتحتاج إلیه لا فی إثبات أصول الدین و لا فی الاستدلالات الفقهية. اما فی الأول فلما ذکرناه فی مقدمة الفتاوی الواضحة من ان قضایا أصول الدین و العقيدة ثبوتها لدینا کثبوت القضایا العرفية و التجربية فی الوضوح و الحقایق لأنها تملک رصیدا من الدلیل الحسی و الاستقرائی علی حد سائر القضایا الاستقرائية التجربية و إن کان یمکن الاستدلال علیها بالأدلة العقلية النظرية أيضا. و اما الثاني فلان الاستدلالات الفقهية لا تعتمد غالباً إلا علی قضایا الظهور و الدلالة و التوفیق فیما بینهما و السند و نحو ذلک، و هی کلها قضایا عرفية و لیست بنظرية برهانية و لا إشکال فی ان نسبة الخطأ فیها لا تبلغ نسبه فی النظريات العقلية».